



تمرین:

زندگی و شخصیت داود را مورد بررسی قرار دهید.

اول سموئیل ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۴

دوم سموئیل ۲، ۵، ۶، ۷

دوم سموئیل ۱۱

دوم سموئیل ۱۵، ۱۶، ۱۷

چه درسی از شخص داود می‌گیرید؟

چهار داستان نام برده را خوانده و توضیح دهید که چرا و چگونه داود به مقام پادشاهی رسید؟ آیا چیزی در مورد دل داود و دل شائول گفته شده است؟

داود چگونه مردان قوی پیدا می‌کند که از او پیروی نیز می‌کنند؟

از داستان داود و جولیات چه درسی می‌توان گرفت؟ طریق نگرش داود نسبت به خدا در میدان جنگ چگونه است؟

زمانی که ناتان نبی، داود را با گناهش روبرو می‌کند، داود چه برخوردی از خود نشان می‌دهد؟

چه درسی از داود برای زندگی خود گرفتید؟

متی ۵: ۴۳-۴۸، کولسیان ۴: ۱۲، ۱۳ دستورات عمل‌های عیسی و پولس برای شاگردان را بخوانید و آنها را در زندگی خود پیاده کنید.

از خود این چهار سوال را بپرسید:

۱. آیا خدا از طریق این آیات پیغام شخصی برایم دارد؟


۲. آیا پدر در این آیات وعده ای برای زندگیم دارد؟


۳. آیا عیسی می‌خواهد که با توجه به این آیات کاری در زندگیم انجام بدهم؟


۴. تصمیم بگیرید که دست به کار شوید و از عیسی بخواهید که در این راه کمکتان کند.

درس ۶ زیربنا، بخش ۱

آیا دل پاک و کامل داشتن امکان پذیر است؟

مزامیر ۱۰۱: ۲، ۳ 


متی ۵: ۴۸ 


کولسیان ۴: ۱۲ 

در ترجمه انگلیسی آیات نامبرده از کلمه (Perfect) پرفکت به معنای کامل استفاده شده.

درسهای شناخت خویش در مسیح، به ما یاد دادند که ما در مسیح پاک، مقدس و عادل شمرده شده‌ایم. به معنای دیگر واژه، شما نمی‌توانید عادلتر و مقدستر از این که هستید شوید. قربانی عیسی، یک قربانی کامل بود. قربانی که تا به ابد کافی بود. با این وجود کتاب مقدس باز هم از ما می‌خواهد که کامل باشیم. آیا ممکن است؟


آیا ما می‌توانیم پاک و کامل باشیم؟


عبرانیان ۷: ۱۸، ۱۹ 


عبرانیان ۹: ۹، ۱۰ 

این دو قسمت از کتاب به ما می‌آموزند که پیروی از شریعت و قربانی دادن برای بخشش گناهانمان، در نهایت نمی‌توانند ما را پاک و کامل کنند. مشخص است که اطاعت کامل از شریعت خدا برای ما انسانها غیر ممکن است. به همین خاطر کاهنان هر دفعه در معبد قربانی می‌دادند تا پاک و خالص شوند.

پس راه چاره برای پاک و کامل شدن چیست؟


عبرانیان ۷: ۲۸ 


عبرانیان ۱۰: ۱۴ 

کولسیان ۱: ۲۸ 

عیسی کاری انجام داد که هیچوقت هیچ انسانی‌قادر به انجام آن نبوده. یعنی او عالی و کاملاً بر طبق قوانین خدا زندگی کرد. ولی این تمام ماجرا نیست. او بخاطر رابطه زنده ای که با پدر داشت صدای خدا را می‌شنید و کاری که پدر از او می‌خواست را انجام می‌داد. عیسی تا حدی پیش رفت که به وسیله قربانی کامل و عالی بر قدرت گناه، شریر و مرگ پیروز شد. دیگر هیچوقت احتیاجی به قربانی نبود. عیسی کامل بود و قربانی کامل را داد. یک بار و برای همیشه.

ما با این قربانی چه می‌توانیم بکنیم؟

کولسیان ۲: ۸، ۹، ۱۰ 

عبرانیان ۱۰: ۱۴ 

- یکی‌شدن با او که خود کامل

است

- یک قربانی کامل می‌سازد

- پسریه کمال دست یافته است

- خون قربانی نمی‌تواند چنین

کاری انجام دهد

- آموزش کمال در مسیح

عیسی پیش از ما به سمت کمال رفت. الان او و در نتیجه کمالش نیز در ما زندگی می‌کند. ما هرگز به کمال نرسیدیم، بلکه او در ما اینکار را انجام داد. تمامی دانش و حکمت در او است. از طریق ماندن در او، این دانش و حکمت در ما شکل خواهد گرفت. فرهنگ عیسی در ما آمده است.

نمونه

دنیایی که من در آن زندگی می‌کردم بسیار کوچک بود. من هلند را می‌شناختم. گهگاهی هم با ماشین به کشورهای دیگر مسافرت می‌کردم و فرهنگ آنها را می‌دیدم. بیشتر این فرهنگها البته مشابه به فرهنگ هلند بود. ولی خدا برنامه دیگری برای زندگی من داشت. یعنی سفر به قاره‌ها و کشورهای دیگر که فرهنگ متفاوتی داشتند. من درباره این فرهنگها فقط از طریق چند فیلم و کتاب مقداری اطلاعات کسب کرده بودم. به هیچ ترتیبی نمی‌توانستم به آن نقاط دنیا بروم، به جز اینکه باید جرات به خرج می‌دادم و با هواپیما سفر می‌کردم. باید کاری می‌کردم که برایم بسیار سخت بود، در واقع قرار دادن زندگی در دستان خلبانها تکنسینها، که کشف کرده بودند که می‌توان پرواز کرد. افرادی که دانش و حکمت زیادی داشتند برای به پرواز در آوردن این وسیله، راندن آن به سوی مقصد و از همه مهمتر به سلامت بر زمین نشان دادن آن. واقعا که چه دانشی لازم است تا بتوان قادر به چنین کاری بود! ولی فکر کنید به پیشگامانی که در این راه قربانیان بسیار به جا گذاشتند. افرادی که در اولین پروازها سقوط کردند.


همسرم خیلی شجاع تر از من بود. ولی در نهایت من هم به سفر با هواپیما راضی شدم. بخاطر این تصمیم بود که پا به قاره آفریقا گذاشتم. چه تفاوت فرهنگی‌ای، چه دنیای متفاوتی. هواپیما من را به آن مقصد رسانده بود بدون اینکه من توانایی و دانش راندن هواپیما را داشته باشم. این برای من ثروتی به همراه آورد که هرگز قدرت درکش را نداشتم. ثروت فرهنگها و قومهای مختلف که ما در دنیای غرب نمی‌شناسیم.

با عیسی هم به همین منوال است. در او بودن، یعنی یادگیری اعتماد کردن به او. سکان زندگی خود را به دستان او دادن. قربانی کامل او ما را نیز برای خدا کامل می‌سازد. از این طریق ما وارد پادشاهی خداوند می‌شویم، دنیایی که تنها به وسیله اعتماد کردن به عیسی و قربانی او می‌توان واردش شد.

درس ۶ زیربنا، بخش ۲

در متی ۵: ۸، ۴۸ عیسی یک بذر مهم از پادشاهی خدا به ما می‌دهد. او به شاگردان خود می‌گوید که کامل باشند، چنان که پدر آسمانی کامل است. این فرهنگی است که در آن پادشاهی ثمره می‌آورد.

سوال بزرگ این است. آیا می‌شود کامل بود؟ منظور از این جمله چیست؟

کولسیان ۱: ۲۸، ۳: ۱۴ و ۴: ۱۲ 

در اینجا می بینیم که پولس از به کمال رساندن سخن می گوید. اینجا با یکی از تَضادهای پادشاهی خدا مواجه می شویم. ما در مسیح کامل هستیم ولی با این وجود عیسی ما را تشویق به کامل بودن می کند.

در زندگی داود می بینیم که خدا او را بخاطر دلش انتخاب می کند. در این درس دیدیم که داود مرد پاک و کاملی نبود. با این حال می بینیم که خدا دائماً او را انتخاب می کند. در زندگی داود یاد می گیریم که خدا ۳ خصوصیت را می پسندد. اینها ارزش های زندگی هستند که به ما کمک می کنند تا در کمال بمانیم و زندگی کنیم.

۳ مشخصه قلب کامل

الف) شفاف

کتاب مقدس در مورد دل داود چه می گوید؟

- دلم را بیازما

- خداوند از افکار و اشتیاق دل ما

آگاه است.

مزامیر ۱۳۹: ۲۳، ۲۴



اول تواریخ ۹: ۲۸



پولس در مورد کار روح القدس چه می گوید؟

اول قرنتیان ۲: ۱۰



در این سه قسمت از کلام، قسمتی از وجود خدا را می بینیم. خدا ما را به طور کامل می شناسد، به خصوص دل ما را که عمیقترین اشتیاقات و افکار ما در آن نهفته است. در زندگی داود می بینیم که او علیرغم ضعفهایش از روح خدا می خواهد که اعماق دلش را بجوید تا ببیند که آیا راههایی به غیر از راه خدا در آن وجود دارد یا خیر؟ او این درخواست را دارد چونکه می خواهد آنگونه زندگی کند که خدا می خواهد.

دل مرا تفتیش کن ای روح القدس، دعائیست که جایش در پادشاهی خدا است. رو راست بودن با خودتان، رو راست بودن با خدا و اطرافیان، زمانی بوجود می آید که جرات نگاه کردن به اعماق دلتان را داشته باشید. داود به اشتباهات خودش واقف بود، او بلافاصله به صحبت های نپی واکنش نشان داد.

اول یوحنا ۱: ۵-۹



یک دل کامل به این معنی نیست که شما به عنوان یک مسیحی ادامه زندگی را ۱۰۰٪ بدون گناه بگذرانید. بلکه به این معنی است که اگر مرتکب گناه شدید آن را بلافاصله در نور بیاورید. این کار انتخاب دل شما است.


در طول دوره های شاگردسازیمان، کنفرانسهایی به نام کنفرانس ملاقات با خدا داریم. در این کنفرانسها همیشه یک زمانی در نظر گرفته می شود تا افراد این امکان را داشته باشند که با درد ها، غمها و حتی گناهان قدیمی خود به پای صلیب بروند. هر دفعه حیران می شوم از اینکه چطور مردان و زنان به راحتی و در صداقت از گناهان خود توبه می کنند. گاهی اوقات اعترافاتشان مربوط به ۱۰ یا ۲۰ سال پیش می شود. ولی زمانی که این مسائل در نور می آیند، بلافاصله فیض خداوند را بر

این افراد می‌توان دید. بخشش و فیض مانند یک معجزه وارد قلب مردم می‌شود. از طریق شفاف شدن برای خدا و انسانها میبینی که چطور بارهای سنگین ناپیدا اغلب با اشک ریختن ولی گاهی نیز با خندیدن، از روی دوش این افراد برداشته می‌شود. گناه کرده بودند، ولی حالا بخشیده شده اند.


(ب) اعتماد


داود در شرایط سخت چه واکنشی نشان می‌دهد؟


- او به خدا اعتماد می‌کند

مزامیر ۲:۲۵ 

- او به خدا پناه می‌آورد

دوم سموئیل ۵: ۱۷-۱۹، ۲۲-۲۳ 

یوحنا ۱: ۱۴ 


غلاطیان ۳: ۶ 

عیسی مرتباً به شاگردان نشان می‌دهد که او هم مثل داود، یک اعتماد بسیار عمیق به خدای پدر دارد. عیسی در هر شرایطی، هرچند سخت و خطرناک، انتخاب می‌کند که تمام اعتمادش بر آنچه که خدا به او نشان می‌دهد باشد. به طور مثال زمانی که عیسی مرد بیماری را می‌بیند، با اعتماد کامل می‌گوید که خدای پدر قدرت شفا می‌بخشد.


همچنین در پایان عمر خود، به شاگردان می‌گوید که زمان موت فرا رسیده. عیسی از اتفاقاتی که در اورشلیم در انتظارش بود آگاه بود. ولی‌پا به فرار نگذاشت، بلکه با رنج‌هایش روبرو شد. او تحت هیچ شرایطی اعتمادش به خدا را از دست نداد.

شاگردان چه درسی از رفتار عیسی می‌گیرند؟

(آنها با شهادت کلام عیسی را با

اعمال رسولان ۴: ۱۳-۳۱ عیسی فرهنگ اعتماد به خدا را پایه گذاری کرد. 


مردم در میان می‌گذارند، حتی پس از تهدیدهای مکرر.)
او به این راه تا پایان عمر خود ادامه داد. می‌بینیم که شاگردان نیز دقیقاً همین اعتماد را به خداوند داشتند.

سالیان گذشته شروع به سفرهای زیاد به روسیه مخصوصاً به قزاقستان 

کردم. آنجا با آقای به نام بایکال آشنا شدم. بلافاصله من را به یاد شهادت اولین شاگردان مسیح انداخت. در آن زمان پلیس بسیار فعالانه به دنبال دستگیری مسیحیان بود. ولی بایکال با تیم جوان خود با اعتماد کامل به خیابانها می‌رفت تا آشکارا پیام انجیل را به مردم بدهند. دفعات مختلف به پاسگاه پلیس برده شد. ولی با این حال به انجام آنچه که روح خدا به او نشان می‌داد، ادامه می‌داد.

(ج) افتادگی

برای خداوند چه چیزی مهمتر از قربانی است؟


مزامیر ۵۱: ۱۶، ۱۷ 


دل شکسته و توبه کار


داود مرتکب گناه شده است؛ زنا و قتل. داود این مزمور را بلافاصله بعد از تولد کودکی که حاصل این زنا بود می نویسد. او در عزای اعمالش نشسته. به این موضوع پی برده که خدا را ناراحت کرده. داود بخاطر گناهش می گرید، و در عین حال وارد عمل هم می شود. یک دل شکسته نه تنها آسیبی که نتیجه گناه است را می بیند بلکه خدای امید، شفا و بهبودی را نیز می بیند. اعتماد کردن به فیض خدا و مسئولیت پذیرفتن در قبال اشتباه خود.


چند سال پیش با آقایی آشنا شدم که در گذشته اش روابط نامشروع داشت. روح خدا با او شروع به کار کرد و او را به سمت بخشش و بهبودی هدایت کرد. زمانی که برای اولین بار داستانش را برایم تعریف کرد در مقابلم یک مرد شکسته نشسته بود. انگار که دنیای امن او واژگون شده بود. ولی زمانی که صحبت از فیض و بخشش شد، در چشمانش نور امید را نیز دیدم. وقتی از او خواستم تا در مقابل همسرش شفاف باشد، دیدم که مرد به شک افتاد. ولی روح آنچنان او را ملزم به اعتراف به تمامی کارهایش می کرد. این جریان چند هفته ای زمان برد. این مرد تازه به خدا اعتماد کرده بود. ولی نمی خواست که همسرش او را ترک کند. این اتفاقی بود که حتما در پی اعترافات او رخ میداد. این حرف را زنش در گذشته به او زده بود. با این حال به خدا و راه کارهایی که به او داده بود اعتماد کرد. حالا پس از گذر سالیان، همواره در کنار یکدیگرند و همدیگر را خیلی دوست دارند.

تکلیف

 از روح القدس بخواهید که پس از گذراندن این درس چه چیزی به شما می خواهد بگوید. آیا افکار خاصی شما را به خود مشغول کرده اند؟

 زمانی برای خود بگذارید و آنچه در باره کمال و پاکی به فکرتان رجوع می کند را بنویسید. پس شما بر حسب کارهایتان به کمال نخواهید رسید. بلکه اعتماد به اینکه شما در مسیح پاک و کامل هستید. زندگی با او و در او به شما کمک می کند تا در کاملیت زندگی کنید. از روح القدس بخواهید که شما را در این راه یاری کند.

 با سرگروه خود در مورد بخش اول این درس و سوالات مربوط به آن چهار داستان صحبت کنید. همینطور نگاه کنید که چه چیزی در مورد متی ۵: ۴۸ نوشته اید و تصمیمی که در مورد این آیه گرفته بودید چیست؟

 زمانی که در مورد زندگی داود مطالعه می کنید وضعیت دل او را بررسی کنید. آیا زمانهایی بوده که روح القدس چیزی در مورد قلب خودتان به شما بیاموزد؟ در موردش با سرگروهتان صحبت کنید.